

شرق

روزنامه

زنان هنرمند روستای زیارت هنر جاجیم‌بافی را که در این خطه قدمتی چندصد ساله دارد، زنده نگه داشتند. / عکس: شقایق عباس‌زاده، آتا



گفت‌وگو

گفت‌وگو با لیلی فرهادپور، بازرس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاری مستقل، صنف مستقل می‌خواهد

❧ اگر به‌طور خلاصه بخواهید دلایل شکست فعالیت‌های صنفی به‌ویژه در حوزه روزنامه‌نگاری را ارزیابی کنید، به نظر شما کدام مسئله بررنگ‌تر است؟ به نظرم یک روزنامه‌نگار در گزارش تحقیقی خود تنها طرح موضوع و طرح سؤال می‌کند که گزارش من نیز با طرح سؤال آغاز و تمام می‌شود که برخی از این سؤالات از این قرار است: انجمن در برابر جامعه روزنامه‌نگاری مسئول است یا صرفا در برابر اعضای خود و لاغیر؟ به بیان بهتر آیا این نهاد صنفی باید صرفا به اعضای خود متکی باشد یا کل جامعه روزنامه‌نگاری؟ حال اگر اهمیت اعضا را اهم قرار بدهیم، آیا رای همین اعضا در یک انتخابات قانونی نباید به تصمیمات بالادستی اعم باشد و نباید برای صیانت از این آرا تلاش صورت بگیرد؟ آیا اگر به رای مجمع و اکثریت هیئتمدیره منتخب برای ادامه کار احترام گذاشته می‌شد و انجمن به تعلیق نمی‌رفت، به کسی ضرری می‌رسید؟ اگر در این شش



ماه هیئتمدیره منتخب روند تشکیل جمع مشورتی (پیشنهادی آقای نمک‌دوست) را در کنار انجمن طی می‌کرد، اکنون انجمن به جای چشم التماس داشتن به وزارت کار، آیا حامیان را در کنار خود برای راهایی از این وضعیت نداشت؟ آیا اقداماتی نظیر آیستراکسیون، در راستای خواست برخی نهادها برای برهم‌زدن ترکیب انتخابی مجمع نبوده است؟ به بیان دیگر مشکل اساسی اینجاست که دال گفتمان صنفی به جای اینکه منافع صنفی باشد، به گفتمان بقای نهاد تبدیل شده و در نتیجه منافع ذی‌نفعان نادیده مانده است.

❧ شما گزارش را به چند دوره دسته‌بندی کرده‌اید، آیا ویژگی مشترکی بین آنها وجود داشته است؟ بله، متأسفانه وابستگی شدید این انجمن به انتشقاق کار حتی وابستگی به امکانات شهرداری! به‌طوری‌که به جای آنکه تشکلی مستقل باشد، انکار زائدانی از وزارت کار است.

❧ مگر نباید برای دریافت حمایت‌ها با نهاده‌ا و سازمان‌ها ارتباط برقرار کنند؟ ارتباط با وابستگی فرق دارد!

❧ آن‌طور که در گزارش شما آمده، برخی اختلاف‌نظرها سبب شده تا انجام فعالیت‌های صنفی دچار مشکل شود، فکر می‌کنید این مسائل از کجا ناشی می‌شد؟

به نظر می‌رسد اختلافات بین اعضای هیئتمدیره (قبلی) و فعلی فرقی نمی‌کنند) از اختلاف بین دو رویکرد سرچشمه می‌گیرد؛ اینکه انجمن در برابر جامعه روزنامه‌نگاری مسئول است یا صرفا در برابر اعضای خود و لاغیر؟ خب وقتی نگاه این باشد که تنها باید به اعضای خود متکی بود و لاغیر، خودبه‌خود شما تشکل را تقلیل می‌دهید و نگاه را از گسترش تشکل دور می‌کنید. همین می‌شود که صنفی با حداقل چندهزار و

خرده‌ای عضو فعال در استان تهران (مجموعه همکاران در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های تهران را در نظر بگیرید) فقط ۲۰۰ عضو فعال برای شرکت در مجمع دارد که آن‌هم با تشویق‌ها و اعمال محدودیت‌هایی مانند آنکه «اگر در مجمع شرکت نکنید، از طرح ترافیک و بقیه امکانات خبری نیست» به زور آورده می‌شوند. معلوم است وقتی خود را ملزم به پاسخ‌گویی به جامعه روزنامه‌نگاری ندانید، وقتی مطالبات این جامعه را با تقلیل به «اساسنامه تیپ وزارت کاری» نادیده بگیرید، کم‌کم حمایت جامعه روزنامه‌نگاری را هم از دست می‌بید. اکنون معیشت روزنامه‌نگاران در بدترین شکل خود قرار دارد، واقعا تشکلی که با طرح ترافیک اعضایش را به مجمع فرامی‌خواند، می‌تواند برای این روزگار سخت کاری کند؟ این طرح ترافیک به درد کدام روزنامه‌نگار کف تحریری می‌خورد. چند تا از روزنامه‌نگاران ماشین سواری شخصی دارند؟ این فقط یک مثال بود که نشان دهد کار تشکل صنفی تا کجا

تقلیل یافته است.

❧ در دوره قبلی نیز برخی اعتراض‌ها به رفتارها و کم‌کاری‌های انجمن صنفی مطرح می‌شد؛ مثل نامه صد امضا... اما این بار یکی از بازرسان و از درون انجمن، کاستی‌ها را بیان کرده است. شما این ضعف‌ها را ناشی از چه می‌دانید؟

به مسئله خوبی اشاره کردید. کاملا در گزارش شرح دادم‌ام که به جای آنکه به مباحث مطرح‌شده ازسوی این صد روزنامه‌نگار توجه شود، به تنها چیزی که توجه شد، همین «عضویت» بود. کسی هم نیامد سؤال کند شما هیئتمدیره چقدر تلاش کردید تعداد اعضای تشکلاتان را بالا ببرید؟ از سوی دیگر به نظر می‌رسد در هیئتمدیره‌ها، منتقدان همواره به‌نوعی ساکت می‌شدند و تا نقدی صورت می‌گرفت، این اتهام زده می‌شد که الان موجودیت تنها تشکل مستقل صنفی زیر سؤال می‌رود.

❧ به نظر شما که به تحلیل دوره‌های مختلف این انجمن پرداختید، چه تفاوتی میان آن دوره اول که برخی اعضای انجمن تهران از سوی نهادهای بالادستی تأیید نشدند و استعفاي دسته‌جمعی دادند و اکنون که در دوره ریاست حسن نمکدوست نهاده‌ها هنوز اجازه ثبت انجمن را صادر نکرده‌اند، وجود دارد؟

در دوره اول همدلی حداقلی در هیئتمدیره اول بود و در این هیئتمدیره کنونی تبدیل به انتشقاق حداکتری شده است. بزرگ‌ترین اشتباه این بود که اقلیت آیستراکسیون کردند و کار را به هیئتمدیره قبلی که اعتبارش تمام شده بود، سپردند و هیئتمدیره قبلی هم بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی مطبوعاتی و صنفی را انجام داد؛ به جای اینکه از وزارت کار تأخیر در ثبت را پیگیری و استعلام کند، اجازه گرفت که کار را از دست هیئتمدیره‌ای که مجمع عمومی به آن رای داده بود، درآورد.

❧ چند روز از انتشار این گزارش گذشته است، چه باحوال به نظر شما چیست؟ داغ دل روزنامه‌نگاران تازه شده است. راحل را باید اعضای صنف جست‌وجو کنند. اساسنامه در این زمینه روشن است!

❧ نکته آخر؟

بر دیوار جنوبی کاخ آپادانا از قول داریوش نوشته شده است: خدا این کشور را از خشک‌سالی و دروغ حفظ کرد... و انجمن ما را نیز.

سلام به فردا

بی‌توجهی به خیر عمومی و تشدید بحران‌های اقلیمی

❧ **پهلول علیجانی**
❧ **اقلیم‌شناس**



مسئله مخاطرات اقلیمی شاید تا دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی چندان معنا و مفهومی نداشت. دلیل آن هم این بود که قبل از جنگ جهانی دوم بشر آن‌چنان قدرتی نداشت که بتواند در طبیعت دخالت بکند. البته دخالت داشت ولی این دخالت‌ها خیلی ضعیف بود و اغلب چنان بود که طبیعت می‌توانست به‌راحتی خودش را ترمیم کند و به حالت اولیه‌اش برگردد. تاب‌آوری طبیعت چنان بود که این دست تغییرات مشکلی برای آن ایجاد نمی‌کرد. فلسفه‌ای که در اوایل قرن بیستم در دنیا حاکم بود، فلسفه جبر محیطی بود. به این معنی که انسان می‌دانست که نمی‌تواند در محیط دخالت کند؛ یعنی نمی‌تواند رودخانه زاینده‌رود را با تغییر مسیر به خوزستان ببرد. اینجا جایی بود که انسان احساس حقارت می‌کرد. تا اینکه بعد از جنگ جهانی دوم و التیام‌یافتن زخم‌های جنگ در دهه ۶۰ میلادی انسان به‌تدریج به تکنولوژی مجهز شد. این مسئله موجب شد که فلسفه جبر محیطی هم کمی تضعیف شود و در مقابل انسان‌گرایی قدرت بیشتری بگیرد. در فلسفه انسان‌گرایی معتقدند که انسان باید از طبیعت به نفع خودش بهره‌برداری کند. همین فلسفه بود که پایه توسعه زندگی بشری را گذاشت. به این ترتیب انسانی که همیشه از سوی طبیعت تحقیر می‌شد، فرصتی پیدا کرد تا عقده‌های خود را در برابر طبیعت خالی کند و در آن دستکاری‌های گسترده‌ای انجام دهد. خیلی از این دوران نگذشته بود که کم‌کم عوارض این پدیده آشکار شد. بشر به‌تدریج متوجه شد که دمای هوای کره زمین در حال افزایش است. پیش از میانه‌های دهه ۷۰ میلادی دانشمندان فکر می‌کردند زمین به سمت یخبندان پیش می‌رود اما دستکاری‌های انسان در طبیعت و رشد و توسعه تکنولوژی موجب شد تا بفهمند که زمین در حال گرم‌تر شدن است. اینجا بود که فهمیدن انسان اشتباه کرده و بیشتر از ظرفیتی که باید از طبیعت به نفع خودش بهره‌برداری کرده است. تخریب طبیعت اولین نشانه‌های خودش را در گرم‌تر شدن زمین نشان داد. به گونه‌ای که در دهه ۸۰ میلادی مفهوم «توسعه پایدار» برای بازنگری در مفاهیم توسعه‌ای مطرح شد. به این معنی که انسان با بازیابی مفاهیم توسعه‌ای تلاش کرد تا در برابر این عواقب را بگیرد. هیتی هم از سوسی سازمان ملل تحت عنوان «هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم» تعیین شد تا مسئله را سطح جهان بررسی کند و ببیند ماجرای گرم‌شدن زمین تا چه میزان واقعی است. اما هرچه بود، دیدیم که در چند دهه بعد از رشد تکنولوژی بشر به‌صورت افسارگسیخته‌ای تلاش به ایجاد تغییر در طبیعت کرد و سعی کرد قدرت خود را به طبیعت نشان دهد.

چهره هفته

روح‌الله ایزدخواه، نماینده مجلس، چهره هفته («شرق») شد

با جوانان حزب‌اللهی ضد واکسن بر خورد نکنید!

و بعضی اسناد و مدارک انتقاداتی وارد می‌کنند، با این قشر برخورد چکشی و قضائی نکنید. در مقابل حرف‌های فاطمه محمدیگی هم در هفته گذشته واکنش‌های فراوانی در شبکه‌های اجتماعی داشت. در نهایت هم ایزدخواه با کسب ۵۲ درصد آرای کاربران «شرق» در اینستاگرام از محمدیگی پیشی گرفت و چهره هفته شد. روح‌الله ایزدخواه، نماینده تهران در مجلس، هفته گذشته در تذکری شفاهی گفت: دانشمندان ویروس‌شناسی هم وجود دارند که با واکنسیناسیون مخالف هستند. در کشور ما هم جوانان حزب‌اللهی و مطالبه‌گری وجود دارند که در جابراه‌ای برجام، FATF، سند ۲۰۳۰ و... ولایت‌مداری خود را ثابت کردند. این عزیزان با استناد به نقل‌قول دانشمندان

رقابت انتخاب «چهره هفته شرق» در هفته گذشته میان دو نماینده مجلس برقرار بود و در رقابتی تنگاتنگ روح‌الله ایزدخواه، نماینده مردم تهران و فاطمه محمدیگی، نماینده مردم قزوین در جریان بود.

در نهایت هم ایزدخواه با کسب ۵۲ درصد آرای کاربران «شرق» در اینستاگرام از محمدیگی پیشی گرفت و چهره هفته شد. روح‌الله ایزدخواه، نماینده تهران در مجلس، هفته گذشته در تذکری شفاهی گفت: دانشمندان ویروس‌شناسی هم وجود دارند که با واکنسیناسیون مخالف هستند. در کشور ما هم جوانان حزب‌اللهی و مطالبه‌گری وجود دارند که در جابراه‌ای برجام، FATF، سند ۲۰۳۰ و... ولایت‌مداری خود را ثابت کردند. این عزیزان با استناد به نقل‌قول دانشمندان

افغانستان، دومین کشور ناامن جهان برای خبرنگاران
ایندیپندنت: سازمان گزارش‌گرکرن بدون مرز در گزارش سالانه‌اش افغانستان را پس از مکزیک دومین کشور ناامن برای خبرنگاران اعلام کرد. طبق این گزارش سالانه که از وضعیت خبرنگاران در سراسر جهان منتشر شده است، مکزیک با ثبت هفت مورد قتل خبرنگاران در جایگاه نخست است و افغانستان با شش مورد قتل خبرنگاران در سال ۲۰۲۱، دومین کشور خطرناک جهان برای خبرنگاران اعلام شده است. در این گزارش، میزان قتل خبرنگاران در سال ۲۰۲۱ کمترین آمار ثبت‌شده در ۲۰ سال گذشته را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که شمار خبرنگاران بازداشتی در کشورهای مختلف در این سال، به ۴۸۸ مورد می‌رسد. سازمان گزارش‌گرکرن بدون مرز در گزارش سال ۲۰۲۱ به افزایش موارد بازداشت خبرنگاران

اگرچه اکنون هم در دنیا آگاهی‌های فراوانی نسبت‌به مسئله تغییر اقلیم و نتایج آن وجود دارد ولی همچنان شاهد اقدامات منفعت‌طلبانه انسان‌ها هستیم. همان منفعت‌طلبی که طی یکی، دو دهه بعد از جنگ جهانی دوم روزگار خوش کوتاهی برای بشر فراهم آورد و بعد از آن او را با عواقب وخیم تصمیماتش مواجه کرد، حالا هم به شکل‌های گوناگونی در جریان است. این چنین است که می‌بینیم با دستکاری‌های بشر و منفعت‌طلبی‌اش در توسعه کشاورزی دریاچه ارومیه خشک می‌شود، زاینده‌رود با مشکلاتی مواجه می‌شود یا خطر فرونشست شهرهای زیادی را تهدید می‌کند. بشر در این نیم‌قرنی که از جنگ جهانی دوم گذشت، فهمید که محیط زیست یک سطح تاب‌آوری مشخصی دارد. به این معنی که اگر بیشتر از تحملش به آن نیرو وارد کند، آن نیرو به خود شما بازمی‌گردد. اما چرا باوجود این آگاهی همچنان شاهد تخریب محیط زیست و دستکاری گسترده در آن هستیم؟ پاسخ را باید در این‌دانیم که به نظر هنوز باوجود همه آگاهی‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها، سطح حساسیت جامعه به این موضوع چندان بالا نیست. به این دلیل که محیط زیست و طبیعت همیشه با دست بخشدن‌های در اختیار بشر بوده است و برای همین خیلی‌ها تصور می‌کنند هر بلایی که بر سر آن بیاید، اتفاقی نمی‌افتد. مدیران هم اغلب منافع ملی را بهانه‌ای برای تصمیمات مخرب خود می‌دانند. برای همین است که می‌بینیم توافق‌نامه پاریس با همین نشست اقلیمی اسمال که در پاریس برگزار شد، هیچ وقت به نتایج درخور توجهی نمی‌رسد؛ چراکه قدرتمندان همیشه به منافع محدود خودشان فکر می‌کنند و خیر عمومی را در نظر نمی‌گیرند. در کنفرانس اقلیمی توکیو قرار شده بود در سال ۲۰۰۵ میزان تولید گازکربنیک در دنیا به حداقل خود برسد. اما الان در سال ۲۰۲۱ هستیم و می‌بینیم که هنوز کشورهای دنیا باوجود آگاهی نسبت به مخاطرات این مسئله بر سر اعداد و ارقام چانه می‌زنند و با این هدف فاصله زیادی داریم. به‌رحال مخاطرات اقلیمی و تخریب محیط زیستی همچنان درحال انجام است. همه آدم‌ها به دنبال منافع شخصی هستند و نمی‌دانند که منافع شخصی کوتاهمدت است و اگر خیر جمعی حاصل نشود، همه متضرر می‌شوند. چنانکه دیدیم که بی‌توجهی مسئولان و شهروندان به مسئله آلودگی هوا در این چند سال موجب شده که حالا همه دچار مشکل شده‌اند و دیگر آسیب‌دیدن از آلودگی هوا شامل حال همه می‌شود و فقیر و پولدار و سیاست‌مدار و شهروند را دربر می‌گیرد. به نظر من مدیران در سطح دنیا به هنوز به اصل مسئله و اهمیت آن یقین پیدا نکرده‌اند. وضعیت شهروندان هم در سایه ناآگاهی و منفعت‌طلبی روزه‌به‌روز به سمت بدتر شدن پیش برود. به هر روی تا جایی که بشر به مفهوم خیر عمومی واقف نشود و خودخواهی‌های حقیرانه‌اش را رها نکند، زمین روزگار بدتری را در پیش خواهد داشت.

یادداشت

ایران با ۲ امارت در شرق و جنوب



❧ این‌روزها فلات قاره ایران شاهد دو تحول در بال شرقی و جنوبی‌اش است که فاصله هریک با دیگری هزارو ۶۹۱ کیلومترمربع و دو ساعت و ۲۵ دقیقه هوایی است. حضور امارت اسلامی بر ویرانه‌های نواحی شرقی امپراتوری سابق اسلامی که همان افغانستان کنونی و برگزاری نمایشگاه جهانی (اکسپو) با حضور ۱۹۲ کشور به میزان دبی به مناسبت پنجاهمین سال اتحاد هفت شیخ‌نشین کوچک به نام‌های ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، فجیره، رأس‌الخیمه، ام‌القویم در تشکیل و استقلال امارات عربی متحده، چشم منطقه و جهان را به خود جلب کرد. دفتر بین‌المللی نمایشگاه‌ها (BIE) در سال ۲۰۱۳ دبی را واجد شرایط و برگزاری اکسپو ۲۰۲۰ دانست. در آغاز این رویداد، پنج شهر برای برگزاری این نمایشگاه در سال ۲۰۲۰ پیشنهاد شدند که از میان آنها چهار شهر در رقابت باقی ماندند؛ دبی از امارات متحده عربی، اکاترینبرگ از روسیه، ازمیر از ترکیه و سان‌آنتوولو از برزیل. دبی برای نخستین‌بار از خاورمیانه (خلیج فارس) این رویداد را میزبانی می‌کند. دبی پیش‌بینی کرده است که موفقیت در گرفتن این میزبانی می‌تواند ۲۳ میلیارد دلار بیس سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ برایش سود داشته باشد. این معادل یک چهارم تولید ناخالص داخلی دبی است. برخی‌ها از خود می‌پرسند چرا منطقه یاب‌وبعلف بر روستای صیادان توانست یکی از بانفوذترین قدرت‌های منطقه‌ای و مراکز اقتصادی و تجاری جهان تبدیل شود؟ این هفت‌خان توسعه توانستند بعد از عربستان سعودی، دومین قدرت اقتصادی خلیج فارس با ۱۰ میلیون نیروی کار غیربومی شوند. نرم‌افزارهای اقتصادی فعال در این سامانه توانستند آسان‌ترین راه‌های جلب سرمایه‌ها به را به خود بکشانند. پاسخ به سؤال بالا چندان



مشکل نیست؛ اگرچه آنان پیش از استقلال نیز در فعالیت‌های اقتصادی به علت موقعیت خاص جغرافیایی‌شان با اهمیت بوده و ساکنان ایرانی تبارشان در زمره صاحبان حرفه و تاجریشان موفق بودند اما آفتاب اقبال خود را به‌واسطه تبدیل اختلاف‌های داخلی به رفاقت و رقابت بین‌المللی طوری بالا آوردند که درآمدهای خالص و ناخالص گاز و نفت‌شان تنها ۳۰ درصد از کنش و واکنش‌های اقتصادی را شامل شد و ۷۰ درصد دیگر مدیون اتحادشان در جلب سرمایه، تکنولوژی، سوخت هسته‌ای و... است. حال آیا می‌توان اتفاقی میان این دو امارت برقرار کرد؟ یادمان باشد روزگاری این سرزمین‌ها در سایه یک وفاق ملی در تجارت و امنیت با یکدیگر مشترک بودند و رشد روزافزون طرفی و ضعف و ویرانی طرف دیگر در صد سال گذشته می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری این قدرت بانفوذ منطقه‌ای را ایجاد کند. کشورهای موجود در این سرزمین اگر به منافع مشترک نیندیشند، روزگار مخوفی را در آینده نزدیک تجربه خواهند کرد. مردمان این سرزمین چندان محتاج به ماجراجویی‌های فضایی نیستند و حاجت اصلی‌شان آب و امنیت است. این دو امارت نوظهور منطقه‌ای، که یکی چندروزه و دیگری چند دهه‌ای است، هر دو در منطقه تحول‌آفرین‌اند. پس گرداندگان منطقه‌ای به‌خصوص نرم‌افزارهای سیاسی و اقتصادی کنونی ایران اگر نقش پل ارتباطی مثبتی در این مسیر از خود نشان ندهند، باید شاهد رکود بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی بخش خصوصی خود شوند. راستی سهم پهنه فرهنگی و تاریخی ایران در این آینده‌نگری، مدنظر طراحان جهانی این‌گونه نمایشگاه‌ها در چه جایگاهی تعریف شده و خواهد شد؟

زیر آسمان جهان

سراسر جهان را مردان تشکیل می‌دهند. براساس این گزارش، چین با ثبت ۱۲۷ مورد بازداشت خبرنگاران، میانمار با ثبت ۵۳ مورد، ویتنام با ثبت ۳۱ مورد، بلورس با ثبت ۲۱ مورد و عربستان سعودی با ثبت ۳۱ مورد بازداشت خبرنگاران، پنج کشوری هستند که از آغاز دسامبر ۲۰۲۱ بیشترین مورد بازداشت خبرنگاران در آنها ثبت شده است.

این گزارش به آمار بالای گروگان‌گیری خبرنگاران در سراسر جهان هم اشاره کرده است. بر این اساس، در سال ۲۰۲۱، ۶۵ مورد گروگان‌گیری خبرنگاران در کشورهای مختلف جهان ثبت شده است که دو مورد بیشتر از سال گذشته است. بیشترین تعداد این گروگان‌گیری‌ها در کشورهای سوریه، عراق و یمن اتفاق افتاده است. در کنار این موارد، یک خبرنگار فرانسوی نیز از ماه آوریل ۲۰۲۱ تاکنون در مالی به گروگان گرفته شده است.